

فعل در گویش خوانسار

احمد رضا دانائی

www.ketab.ir

۱۴۰۰

سرشناسه: عنوان و نام پدیدآور: دانایی، احمدرضا، ۱۳۶۷-
 فعل در گویش خوانسار / احمدرضا دانایی
 مشخصات نشر: انتشارات فارس ۱۴۰۰
 مشخصات ظاهری: ۲۶۶ ص
 شابک: 978-964-7547-05-5
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: گویش خوانسار
 چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰
 شمارگان: ۳۰۰
 قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



انتشارات فارس، تلفن ۲۲۹۷۸۴۷۴
 محل توزیع: کتاب فرهنگ، تهران، ضلع جنوب شرقی میدان انقلاب، بعد از تالار
 کتاب، بازار بزرگ کتاب، شماره ۱۳، تلفن: ۰۲۱۶۶۹۵۵۰۲۹ همراه:
 ۰۹۳۷۳۷۵۱۹۰۶ کتابفروشی فرهنگ جهانتخش

فهرست

۹	 مقدمه
۱۵	 شرح نشانه‌ها و تصحیح روش آوانویسی آیلرس
۲۲	 فصل اول: ماده‌های فعل
۲۴	 ۱.۱.۱. ماده ماضی ساز -a-
۳۳	 ۱.۱.۲. سببی ساز -n-
۳۸	 ۱.۱.۳. مجهول ساز -k-
۳۹	 ۱.۱.۴. سایر ماده ماضی‌ها
۴۴	 ۱.۲. تحولات واجی در ماده‌های فعل
۴۶	 ۱.۲.۱. حذف
۵۳	 ۱.۲.۲. اضافه
۵۵	 ۱.۲.۳. قلب
۵۵	 ۱.۲.۴. همگونی

۴ فعل در گویش خوانسار

- ۵۸..... ۱.۲.۵. کامی شدن
- ۵۸..... ۱.۲.۶. نرم شدن
- ۶۲..... ۱.۲.۷. ادغام مصوت‌ها
- ۶۷..... فصل دوم: سایر اجزاء فعل
- ۶۷..... ۴.۱. پیشوند فعل-
- ۷۰..... ۲.۱.۱. پیشوند hā و hī
- ۷۲..... ۲.۱.۲. پیشوند vā
- ۷۳..... ۲.۱.۳. پیشوند var (vār)
- ۷۵..... ۲.۱.۴. پیشوند dar (dār)
- ۷۶..... ۲.۱.۵. پیشوند bā
- ۷۷..... ۲.۱.۶. پیشوند زینت و التزام
- ۷۸..... ۴.۲. نشانه استمرار
- ۷۸..... ۲.۲.۱. نشانه استمرار در ماده‌هایی با ā, ē, ī, ō و آغازی
- ۸۰..... ۲.۲.۲. نشانه استمرار در ماده‌هایی با صامت t آغازی
- ۸۱..... ۲.۲.۳. نشانه استمرار در ماده‌هایی با واج‌های مجموعه لثوی‌ها
- ۸۲..... ۲.۲.۴. نشانه استمرار در ماده‌هایی با صامت k آغازی
- ۸۳..... ۲.۲.۵. نشانه استمرار در ماده‌هایی با p, b, d, g, f, x, γ و m

- ۲.۲.۶. نشانه استمرار در ماده‌هایی با صامت ۷ آغازی ۸۵
- ۲.۲.۷. نشانه استمرار در مورد ماده مضارع ۷- ۸۷
- ۲.۲.۸. ماده‌های -zūn، -zūnā و -dār، -dārt ۸۷
- ۲.۳. ضمائر چسبان ۸۷
- ۲.۳.۱. ضمائر اضافی ۸۸
- ۲.۳.۲. ضمائر مفعولی ۸۹
- ۲.۳.۳. عامل‌ها ۹۰
- ۲.۳.۴. واژه‌بست مضاعف ۹۱
- ۲.۳.۵. ضمائر چسبان در دو شکل ۹۳
- ۲.۴. صفت مفعولی گذشته ۹۳
- ۲.۵. افعال وجهی ۹۴
- ۲.۵.۱. افعال وجهی بر پایه ماده‌های -dārt و -dār ۹۴
- ۲.۵.۲. افعال وجهی بر پایه ماده‌های -gūā و -gū ۹۴
- ۲.۶. افعال کمکی ۹۶
- ۲.۶.۱. «بودن» اسنادی در زمان حال ۹۶
- ۲.۶.۲. «بودن» اسنادی در زمان گذشته ۹۸
- ۲.۶.۳. «بودن» اسنادی در مضارع التزامی ۱۰۰

۶ فعل در گویش خوانسار

- ۲.۷. شناسه‌ها ۱۰۲
- فصل سوم: ساختار فعل در زمان گذشته ۱۰۵
- ۳.۱ فعل ماضی اخباری ۱۱۱
- ۳.۱.۱ ساخت ارگتیو افعال متعدی و سببی در ماضی اخباری ۱۱۲
- ۳.۱.۲ استثنائات ساخت ارگتیو در ماضی اخباری ۱۱۳
- ۳.۱.۳ ساخت ارگتیو افعال مرکب در ماضی اخباری ۱۱۹
- ۳.۱.۴ واژه‌بست مضاعف در ماضی اخباری ۱۲۲
- ۳.۱.۵ صرف افعال لازم در ماضی اخباری ۱۲۴
- ۳.۱.۶ صرف «بودن» غیراسنادی در ماضی اخباری ۱۳۳
- ۳.۱.۷ افعال اسنادی در ماضی اخباری ۱۳۶
- ۳.۲ فعل ماضی نقلی ۱۳۸
- ۳.۲.۱ ساخت ارگتیو در ماضی نقلی ۱۳۹
- ۳.۲.۲ افعال لازم در ماضی نقلی ۱۴۲
- ۳.۲.۳ «بودن» در ماضی نقلی ۱۴۴
- ۳.۳ فعل ماضی بعید ۱۴۴
- ۳.۳.۱ ساخت ارگتیو در ماضی بعید ۱۴۶
- ۳.۳.۲ افعال لازم در ماضی بعید ۱۴۸

۳.۴. وجه التزامی در فعل ماضی	۱۵۱
۳.۴.۱. ساخت ارگتیو در ماضی التزامی	۱۵۱
۳.۴.۲. افعال لازم در ماضی التزامی	۱۵۴
۳.۵. وجه استمراری در فعل ماضی	۱۵۵
۳.۵.۱. ساخت ارگتیو در ماضی استمراری	۱۵۸
۳.۵.۲. افعال لازم در ماضی استمراری	۱۶۱
۳.۶. فعل مجهول در زمان گذشته	۱۶۳
فصل چهارم: ساختار فعل در زمان حال	۱۶۶
۴.۱. فعل مضارع اخباری	۱۶۸
۴.۱.۱. فعل مضارع اخباری با نشانه استمرار	۱۶۸
۴.۱.۲. صرف ماده مضارع‌های -dār و -zūn در مضارع اخباری	۱۷۴
۴.۱.۳. صرف «بودن» غیر اسنادی در مضارع اخباری	۱۷۶
۴.۱.۴. افعال اسنادی در مضارع اخباری	۱۷۸
۴.۲. فعل مضارع مستمر	۱۸۱
۴.۳. وجه التزامی در فعل مضارع	۱۸۲
۴.۴. فعل امر	۱۸۶
۴.۵. فعل مجهول در زمان حال	۱۸۹

مقدمه

شهر خوانسار مرکز شهرستان خوانسار واقع در استان اصفهان است. شهر خوانسار در گذشته زیرمجموعه گلپایگان بوده است و زمان زیادی از تشکیل شهرستان خوانسار نمی‌گذرد. گویش خوانساری، که به سرعت رو به فراموشی می‌رود، صرفاً مربوط به بخش‌هایی از شهر خوانسار است نه تمام شهرستان خوانسار. در طبقه‌بندی‌هایی که تاکنون راجع به گویش‌های ایرانی‌نو صورت گرفته است، تنها جای دادن گویش خوانساری در مجموعه گویش‌های مرکزی ایران و قرابت آن با گویش وانشانی معتبر است. پیر لوکوک در مقاله گویش‌های مرکزی ایران¹ اگرچه اشاره کوتاهی به ساختار فعل گویش خوانساری دارد اما برای کنار هم قرار دادن گویش‌های خوانساری و محلاتی متوسل به واقعیت قرار گرفتن حوزه جغرافیایی این گویش‌ها در غرب جاده قم- اصفهان شده است. ایراد عمده طبقه‌بندی‌های کنونی در آن است که نظر جامعی به ساختار فعل ندارد و اگر هم اشاره مختصری دارند اما سه مولفه ویژگی‌های آوایی، موقعیت جغرافیایی و تعبیر موهوم دین-تاریخ را برجسته کرده و در این راه بعضاً با چنان تضادهای عجیبی مواجه‌اند که شرح آن خود حدیث مفصلی خواهد بود. طبقه‌بندی

¹ Lecoq, Pierre, *Les dialectes du centre de l'Iran*, Rüdiger Schmitt ed. Compendium Linguarum Iranicarum, pp. 313-326, 1989, Wiesbaden.

گویش‌ها بر مبنای ساختار فعل دقیق‌تر خواهد بود چرا که برخلاف مفردات، ساختار فعل معمولاً تأثیرپذیری کمتری داشته است. هدف این کتاب، توجه به مسیر توسعه ساختار فعل گویش خوانساری از دوره میانه زبان‌های ایرانی به دوره ایرانی نو است.

جدی‌ترین مطالعه در زمینه گویش خوانساری را ویلهلم آیلرس^۲ صورت داده است. کتاب گویش خوانسار به زبان آلمانی تألیف شده است. سه اثر گویش‌شناسی از آیلرس جمعاً با عنوان «گویش‌های غربی ایران از مجموعه ویلهلم آیلرس»^۳ شناخته می‌شود. پیش از آیلرس، اُسکار مان^۴ چند گویش از جمله گویش خوانساری را مجموعاً بررسی کرده است. مان نیز تحت تأثیر تحقیقات والتین ژوکوفسکی^۵ نسبت به مطالعه گویش‌های مرکزی ایران علاقه‌مند شده است. ژوکوفسکی در یک کتاب به چند گویش از جمله گویش وانشان پرداخته است. در بخش عمده‌ای از کتاب گویش خوانسار، چند متن از قول یکی از بومیان، آوانویسی و به زبان آلمانی ترجمه شده است. بخشی از اثر آیلرس نیز لغتنامه و منحصر به لغاتی است که در متون همان کتاب به کار رفته است. در بخش دیگری از آن کتاب نیز مختصراً به صرف و نحو گویش خوانساری پرداخته شده است. با توجه به متون تنظیم شده در

^۲ Eilers, Wilhelm, *Die Mundart von Chunsar*, 1976, Wiesbaden.

^۳ Westiranisches Mundarten aus der Sammlung Wilhelm Eilers

^۴ Mann, Oskar, *Die Mundarten von Khunsar, Mahallat, Natanz, Nayin, Samnan, Sivand und So-Kohrud*, 1926, Berlin.

^۵ Zhukovski, Valentine Alekseevich, *Materialy dlya izucheniya persidskikh narechii, chast' I. Dialecty polosy goroda Kashana: Vanishun, Kohrud, Keshe, Zefre*, 1888, Moscow.

اثر آیلرس، آن کتاب بهترین مرجعی است که در مورد شناخت نحو گویش خوانساری می‌توان از متن‌های تنظیمی آن بهره برد.

توجه به معنی خوانسار هدف این کتاب نیست اما خیل مطالب نادرست، که به‌ویژه در دانشنامه‌های فارسی ارائه شده، توضیح اندکی را می‌طلبد. درباره این موضوع و نیز نقد مطالعات نحوی پیشین، مطلب مفصل‌تری تهیه شده که امید است روزی عرضه گردد. خوانسار به معنی سرچشمه است. در املاي این لغت، قیاس نابه‌جایی با نام شهرهایی چون خوارزم و نیز کلماتی همچون خواهر صورت گرفته که به کار بردن حرف واو معدوله در آن‌ها دلیل خاصی دارد. بنا به متون تاریخی مشخص است که غلط‌نویسی خوانسار از چه زمانی شروع شده است. خوانسار را هر شکل گویشی به صورت خونسار و خوسار هم می‌گویند و هر دو شکل را با توجه به ویژگی‌های آوایی این گویش می‌توان توجیه کرد. لغت خوانسار به لحاظ پسوندی که در آن به کار رفته است، مثل لغت نگونسار است که معنی سرنگون می‌دهد. یعنی پسوند سار همان «سر» است، فارغ از این که تغییر «سر» در آن‌ها یکسان نیست. در ایرانی میانه غربی لغات خان و خانینگ (خانی در فارسی) اگرچه به معنی چشمه به کار رفته‌اند اما به واسطهٔ پرکاربردی لغت چشمه، امروز در فارسی کم‌کاربرد هستند و احتمالاً لغت خان در معنی چشمه را تنها در جای‌نام‌ها می‌توان جست. در دو منبع تاریخی نام این شهر به صورت «خانسار» و «خانیسار» به کار رفته و برخلاف نظر پورداد، در هرمرزنامه، بنا به دلایل مختلف نام این شهر در گذشته «خانیسار» نبوده و این را می‌توان به واسطهٔ زبان پهلوی اشکانی نیز نشان داد. البته لغت خانی و صورت‌های گویشی آن از جمله «کانی» و... در نام چند شهر از جمله «سری‌کانی» (به عربی: رأس العین) موجود است. به

جز این شهر خوانسار که بنا به تقسیم‌بندی تاریخی در اقلیم جبال واقع است، یک منطقه کوچکتر نیز در اقلیم فارس به نام خوانسار وجود دارد. برخی محققین آن خوانسار که در چند متن تاریخی به صورت خونسار و خانسار مورد اشاره است را با خوانسار موضوع این بحث اشتباه گرفته‌اند.

لغت خان (در شکل گویشی: خون) همیشه به معنی چشمه نیست و آیلرس به اشتباه «خون» در لغت گویشی «شترخون» را به معنی چشمه دانسته است. لغت خان معنی منزل و کاروانسرا هم دارد و در زبان‌های عربی، ترکی و انگلیسی نیز دخیل شده و در جای‌نام‌هایی چون «خان طومان» (واقع در سوریه) و... باقی مانده است. لغتی که در زبان آسی با اندکی اختلاف در دو گویش دیگوری و ایرونی معنی جنوب دارد، حتی اگر تعبیر «طرف آفتابگیر» برای آن درست باشد، ربطی به «خوان» در نام شهر خوانسار ندارند، چون به کار بردن واو غیر ملفوظ در نوشتن خوانسار، یک غلط املائی است و این «خوان» مربوط به خورشید نیست.

لغت خان (خون) در جای‌نام‌ها را نباید بی‌مطالعه دقیق با جزء اول لغت خوانسار سنجید و خانی (خونی) نیز به کل لغت دیگری است. «خانسر» (منطقه‌ای در پاکستان و نیز دهی در گیلان)، خان‌کندی (چند ده در ایران و نیز نام آذربایجانی ناحیه‌ای که به ارمنی «واراراکن» می‌گویند و آن لغت ارمنی معنی چشمه جاری دارد)، «سرخون» (چند ده در ایران) و... را می‌توان برشمرد که ارتباط آن‌ها با خان در معنی چشمه نیازمند تحقیق است. در مورد معنی خوانسار چند ایده نادرست نیز مطرح شده است. لغت «خوانسالار» در برهان قاطع به اشتباه «خوانسار» مدخل و «خوانسالار» معنی شده و بعدتر در

تصحیح امروزی آن نیز اشارهٔ عجیبی به شهر خوانسار در پاورقی گنجانده شده است. باور عامیانهٔ «خونِ شتریان» نیز از این دست می‌باشد.